

## تاریخچه ای از یهودیان

کیارش یشایائی

فروردین ماه ۱۳۷۸

[http://www.iranjewish.com/Essay/Essay\\_1\\_Yahoodiyan\\_Iran\(1\).htm](http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_1_Yahoodiyan_Iran(1).htm)

### یهودیان ایران (بخش اول)

هزار سال قبل از میلاد، حضرت داوود بر سرزمین های وسیعی که به جز فنیقیه تمام سواحل شرقی مدیترانه را در بر می گرفت حکومت می کرد. پس از حضرت داوود پسر وی حضرت سلیمان با از بین بردن برادر خود ادونیا و دیگر مدعیان سلطنت، فرمانروایی سرزمین مقدس را در اختیار گرفت. وی با رونق بخشیدن به تجارت و بازرگانی، استخراج معادن طلا، نقره و سنگ های گران بها و وارد کردن و فروش کالاهای تجملی از قبیل عاج، میمون و طاووس به نودولتان و صاحبان ثروت های هنگفت، از غنی ترین پادشاهان زمان خویش گردید. این پیامبر به فرمان خداوند معبد مقدس بیت همیقداش را با شکوه و جلال بی مانندی افتتاح نمود. با طولانی شدن ایام سلطنت حضرت سلیمان رفته رفته توجه وی به ثروت اندوزی معطوف گردید. به علت مخارج زیاد دولت، سلیمان بیست شهر در ناحیه جلیله را در وجه بدهی خود به پادشاه صور و صیدون واگذار نمود و مالیات ها سنگین شدند و ثروت خیره کننده سلیمان طبقه ای از کارگران فقیر و بیکار و ناراضی بر جای گذاشت. ربا و رشوه خواری زشتی خود را از دست داد و کلبه ها و محله های کثیف در کنار کاخ های مجلل توسعه یافت چنانچه عاموس نبی می گوید: عادل را به نقره و مسکین را به زوج نعلین فروختن (عاموس ۲-۶)

گودال بین فقرا و ثروتمندان هر روز عمیق تر می گردید و کشمکش بین دهات و شهرها مخالفت اهالی شمالی سرزمین مقدس را برانگیخت و پس از مرگ وی سرزمین مقدس به اسرائیل در شمال و یهودا در جنوب تقسیم گردید.

### سقوط نخستین حکومت

در خلال سالهای ۸۵۰ تا ۷۲۲ قبل از میلاد، دولت آشور که تازه به اقتدار رسیده بود، برای دست اندازی بر کشورهای ضعیف مجاور با سپاهی بزرگ برای تسخیر سرزمین های مجاور حرکت کرد. وقتی حکومت اسرائیل از قصد دولت آشور مطلع شد با کمک سپاهیان منفق خود مصر، و فنیقیه و آرام در صدد جلوگیری برآمدند. ولی تاب مقاومت نیاورده، عقب نشستند. طولی نکشید که گیلعاد یکی از بخش های منطقه به دست آشوری ها تسخیر گردید. در داخل نیز کار مخالفت با دولت شدت گرفت و هوشیا آخرین پادشاه اسرائیل برکنار گردید. در سال ۷۲۲ قبل از میلاد شهر سامره به دست سارگن پادشاه آشور تسخیر شد و استقلال حکومت اسرائیل به دست آشوریان خاتمه یافت. روی سنگ نبشته ای که از سارگن دوم باقی مانده، نوشته شده است: من تمام سرزمین وسیع خانواده امری آخرین سلسله پادشاه اسرائیل را مسخر کردم و ۲۷۲۹۰ نفر از اهالی آنجا را به اسارت بردم. این اسرا به سرزمین های اطراف کوه دماوند و سایر سرزمین های ماد در ایران فعلی تبعید شدند. عده ای از این یهودیان در اطراف شهری را بنا کردند و آن را به یاد موطن خویش گیلعاد خواندند که امروزه گیلیارد خوانده می شود (نام این منطقه اخیرا به گیلانود تغییر یافته است) و گورستان باستانی یهودیان تا به امروز در این منطقه موجود دارد. در کتاب دوم پادشاهان از کتب مقدسه یهود نیز آمده است: و در سال نهم هوشع پادشاه آشور سامره را گرفت و

اسرائیل را به آشور به اسیری برد و ایشان را در حلخ و خابور و بر شهر جوزان و شهرهای مادیان سکونت داد. به این ترتیب اولین یهودیان در منطقه ای که اینک ایران نامیده می شود ساکن شدند.

### سقوط یهودا

در سال ۵۸۶ قبل از میلاد سرزمین یهودا با حمله بخت النصر بیت همیقداش را در روز نهم آو ویران نموده و به آتش کشید و ظروف و اموال آن را به تاراج برد.

در این حمله تقریباً تمام ساکنان شهر، به بابل به اسیری برده شدند. در مزامیر داوود داستان این اسیران طی سرود زیبایی چنین بیان شده است: نزد نهرهای بابل نشستیم و گریه کردیم چون صیون را به خاطر آوردیم\* بر بطن های خود را آویختیم بر درختان بید که در میان آنان بود\* زیرا آنانی که ما را به اسیری بردند در آنجا از ما سرود خواستند و آنانی که ما را تاراج کرده بودند شادمانی که یکی از سرودهای صیون را برای ما بسرائید\* چگونه سرود خداوند را در سرزمین کافران بخوانیم\* اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم آنگاه دست راست من (مهارت خود را) فراموش کند\* اگر تو را به یاد نیاورم آنگاه زبانم به کامم بجسبد. اگر اورشلیم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم.

(مزم)

ور ۱۳۷ آیات ۷-۱)

در سال ۵۵۹ قبل از میلاد کوروش با فایق آمدن براستیاکس و برچیدن سلسله ماد، پادشاهی بلامعارض و کشور قدرتمند دنیای قدیم را بنیاد نهاد. با تصرف شهر بابل و ادامه کشورگشائی این پادشاه سرزمین های زیادی به قلمرو ایران ضمیمه شد که از جمله آنها می توان سرزمین مقدس و نیز نقاطی که یهودیان در آن به اسارت گرفته شده بودند، نام برد. به موجب فرمانی کلیه اسرار و افرادی که در قلمرو پادشاهی کوروش بودند آزاد و از هر گونه اذیت و آزاری مصون گشتند.

استوانه گلی که نوشته های آن حاوی فرمان کوروش می باشد کهن ترین سند کتبی از دادگستری و مراعات حقوق بشر در تاریخ و مایه سرفرازی ایرانیان است. این لوح در سال ۱۸۷۹ میلادی توسط هرمز رسام در شهر بابل یافت شد و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می شود. ترجمه قسمتی از متن باقی مانده به این شرح است:

"سربازان من بسیار دوستانه در بابل گام برمیداشتند، من نگذاشتم کسی (در جایی) را در تمام سرزمین "سومر" و "اکد" ترساننده باشد. من (شهر) بابل و همه (دیگر) شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتم. درماندگان باشنده در بابل را که (نبوئید) ایشان را به رغم خود دست حدایان یوغی داد بود که نه در خور ایشان".

درماندگی هایشان را چاره کردم و ایشان را از بیگاری رهانیدم.

در این زمان طی فرمان دیگری که در کتاب عزرا (از کتب مقدس یهود) از آن یاد شده است. کلیه یهودیان از اسارت رها گشتند و طی همین فرمان آزاد گذاشته شدند تا به اورشلیم رفته و خانه خدا را بازسازی نمایند. متن فرمان چنین است:

"کوروش پادشاه فارس چنین می فرماید که ..... خدای آسمانها، جمیع ممالک زمین را به من داده و مرا امر فرموده است که خانه ایی که برای وی در اورشلیم در یهودا است بنا کنم پس کیست از شما از تمامی قوم او که خدایش با وی باشد. او به اورشلیم که در یهودا است برود و خانه خدا را که خدای اسرائیل حقیقی است بنا نماید.

کوروش همچنین ظروف و وسایل گرانبهای اورشلیم را که بخت النصر غارت کرده بود جمع آوری نمود و به اورشلیم باز گرداند.

با صدور فرمان کوروش تعدادی از یهودیان تحت سرپرستی زروبال رهسپار سرزمین مقدس شدند به غیر از این تعداد که جدای از خدم و هشتم خود چهل دو هزار و سیصد و شصت نفر بودند عده ای از یهودیان هم که دارای موقعیتهای اقتصادی و اجتماعی شده بودند ترجیح دادند در بابل باقی بمانند این عده که در آینده هسته مرکزی یهودیان ایران را تشکیل دادند ، بعداً از مرکزشان که بابل بود به ایالات داخلی پارس کوچ کردند. از این مناطق می توان اکباتان و شوش را نام برد."

واقعۀ پوریم:

جشن پوریم علاوه بر جایگاه خاص مذهبی در میان یهودیان جهان ، نشانه ای از همنشینی بسیار کهن و ریشه دار میان این قوم و ایرانیان است . این واقعه در حدود ۲۴ قرن پیش (۳۵۵ قبل از میلاد) در کشور ایران در دوره ای که انبوه یهودیان در ایران زندگی می کردند و در زمان پادشاهی خشایارشا رخ داده است همه ساله در چهاردهم آدار به جهت رهایی یهودیان از کشتاری که برای آنان تدارک دیده شده بود مراسمی در سراسر جهان برگزار می گردد. آرامگاه استر و مردخای که مسبب اصلی نجات یهودیان از این توطئه بودند هم اکنون در همدان زیارتگاه کلیمیان ایران می باشد.

### ادامه ساختمان بیت همیقداش

ساختن بنای بیت همیقداش در زمان کوروش و داریوش اول دامه یافت . ولی در زمان سلطنت اردشیر اول (ارتخشستا) سخن چینی و دسیسه اقوام مختلف یهودیان در نزد این پادشاه موثر واقع شد و اردشیر اول طی فرمانی از ادامه آبادانی معبد مقدس (بیت همیقداش) جلوگیری نمود. پس از به سلطنت رسیدن داریوش دوم این پادشاه بنا بر فرمان کوروش که در کتابخانه بابل یافت گردید ، مجدداً دستور ادامه ساختمان بیت همیقداش را صادر نمود:

و به کار این خانه خدا معترض نباشید اما حاکم یهود و مشایخ یهودیان این خانه خدا را در جایش بنا نمایند و فرمانی نیز از من صادر شده است که شما به این مشایخ یهود به جهت بنا نمودن این خانه خدا چگونه رفتار نمائید. از مال خاص پادشاه یعنی از مالیات ماورای نهر خرج به این مردمان بلاتاخیر داده شود تا معطل نباشند و مایحتاج ایشان را از گاوان و قوچها و بره ها به جهت قربانی های سوختنی برای خدای آسمان و گندم و شراب و روغن بر حسب قول کاهنانی که در اورشلیم هستند روز به روز بی کم و زیاد داده شود تا آنکه هدایای خوشبو برای خدای آسمان بگذارند . و به جهت عمر پادشاه و پسرانش دعا نمایند و دیگر فرمانی از من صادر شد که هر کس که این حکم را تبدیل نماید از خانه او تیری گرفته شود و بر آن آویخته و مصلوب گردد و خانه او سبب این عمل مزبله بشود و آن خدا که نام خود را در آنجا ساکن گردانیده است هر پادشاه با قوم را که دست خود را برای تبدیل این امر خرابی خانه خدا که در اورشلیم است دراز نماید هلاک سازد . من داریوش این حکم را صادر فرمودم پس این عمل بلاتاخیر انجام شود.

ساختمان بیت همیقداش دوم در سوم آدار در سال ششم پادشاهی داریوش پادشاه به اتمام رسید.

عزرا و نحما بزرگان دربار اردشیر دوم

عزرا دانشمندی بزرگ و در قوانین مذهبی یهود بی همتا بود. نحما هم از بزرگان دربار اردشیر از مردان سیاسی و دوستدار سرزمین مقدس بود.

کوشش این دو مرد چنان وضع سیاسی و دینی یهودیان جهان را در آن روزگار دگرگون ساخت که اثراتش تا امروز به

جاست . تغییرات و تحولاتی که این دو مرد نامدار در زمینه های سیاسی و مذهبی پدید آوردند ، از یهودیان مردمی ساخت که توانستند دارای آئین و ادبیاتی جاودان باشند . آنها کتاب مقدس و ادبیات بنی اسرائیل را گردآوری کردند و زبان عبری را از فراموشی رهایی بخشیدند و انجام این کارها تنها، نتیجه آسایش و آرامشی بود که از پرتو شکوهمند شاهنشاهی هخامنشیان بدست آورده بودند .

در اثر حضور این دو پیامبر در شوش و به واسطه احترامی که نزد پادشاه ایران داشتند فرامین مساعدی برای یهودیان صادر گردید و آنها آزاد گذاشته شدند تا به سرزمین مقدس بروند و از کمکهای این پادشاه برخوردار شدند .

### اردشیر سوم

در زمان پادشاهی اردشیر سوم این پادشاه یهودیان را وادار به پرستش رب النوع آناهیتا نمود . به دنبال این فرمان در سال های ۳۵۸ تا ۳۳۸ قبل از میلاد یهودیان سر به شورش برداشتند و در نقاط دیگری از ایران پراکنده شدند که شامل هیرکانیا و نقاط دیگری در جنوب ایران فعلی از جمله شوسیان (susiana) می باشد.

### دانیال نبی

حضرت دانیال نبی از پیامبران بنی اسرائیل می باشد که آرامگاهش در شهر شوش خوزستان و زیارتگاه مردم ایران می باشد. این شخص فردی از اسیران یهودا بود که به سبب حکمت و دانش خود و تعبیر خوابهای بخت النصر جایگاه ویژه ای در نظر این پادشاه پیدا کرد و رئیس روسای جمیع حکمای بابل گردید.

در زمان بَلْشَصَّر (پسر بخت النصر) در صافتی که این پادشاه ترتیب داده بود ناگهان انگشتان دست انسانی را بیرون آمد و بر دیوارهای مطالبی نوشت که حضرت دانیال آن نوشته ها و خواند و نظیر نمود؛ خداوند سلطنت تورا به انتها رسانده سلطنت تو تقسیم گشته به مادیان و پارسیان بخشیده شده است گفته اند که در همان شب بَلْشَصَّر پادشاه کلدانیان کشته شد.

### دانیال دربار داریوش

و داریوش مادی در حالیکه شصت و دو ساله بود سلطنت را دریافت و داریوش مصلحت دانست که صد و بیست والی بر مملکت نصب نماید تا بر تمامی مملکت باشند و بر آنها سه وزیر که یکی از ایشان دانیال بود تا آن والیان به ایشان حساب دهند و هیچ فردی به پادشاه نرسد. پس این دانیال بر سایر وزرا و والیان تفوق جست زیرا که روح فاضل در او بود و پادشاه اراده داشت او را بر تمام مملکت نصب نماید این داستان با سخن چینی و دسیسه سایر وزرا نسبت به

دانیال ادامه می یابد تا آنجا که پادشاه را مجبور به صدور و امضای حکمی کردند که به موجب آن هر شخصی که تا سی روز از حدایی یا انسانی سوای داریوش مسئلتی نماید در چاه شیران افکنده شود. دانیال به فرمان واقعی نهاد و هر روز سه مرتبه حدای خود را عبادت می کرد. پس آن اشخاص به پادشاهی اطلاع دادند و پادشاه از امضای فرمان سخت پشیمان و عصبانی گشت . اما به موجب قانون مادیان و فارسیان حکم غیرقابل برگشت بود. دانیال یک شب در چهار میان شیران به سر برد و بامداد روز بعد بدون هیچ صدمه و آزاری از چاه خارج گردید . داریوش اشخاصی را که از دانیال شکایت کرده بودند به همراه خانواده آنان در چاه شیران افکند و آنان طعمه شیران گشتند.

اوست که نجات می دهد و می رهند و آیات عجیب را در آسمان و زمین ظاهر می سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است پس این دانیال در سلطنت داریوش و سلطنت کوروش فارسی پیروز می بود.

## پایان کار هخامنشیان، آغاز سلطه ی یونان و هجوم فرهنگی

### پایان امپراتوری دویست ساله

بعد از مرگ اردشیر دوم جنگهای ویرانگری در بین فرزندان او به وقوع پیوست که در نهایت به سلطنت شاهزاده "اخس" یا اردشیر سوم انجامید.

وی در سال ۳۳۸ قبل از میلاد توسط اطرافیان خود به قتل رسید و سلطنت بدست داریوش سوم افتاد. در زمان این پادشاه کشور یونان به سرکردگی اسکندر مقدونی بر هخامنشیان چیره گردید. در پی این لشکرکشی که در زمان داریوش سوم به وقوع پیوست، اسکندر پس از جنگهای چندین ساله با قوای ایران "سارد"، "تخت جمشید" و "پاسارگاد" را فتح نمود و کاخهای شاهنشاهی را به انتقام آتش سوزی آتن توسط خشایارشا، به آتش کشید. داریوش سوم در سال ۳۳۰ قبل از میلاد در حین فرار از جلوی لشکر اسکندر توسط اطرافیان خود به قتل رسید و به این ترتیب سلسله ی هخامنشیان که در حدود دویست سال یکی از بزرگترین امپراتوری های جهان را به وجود آورده بود پایان پذیرفت.

اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد در سن ۳۲ سالگی به علت بیماری درگذشت و بعد از مرگش جنگ بر سر قدرت بین بازماندگانش درگرفت که از بین همه ی مدعیان مردی بنام سلوکوس با برتری نسبی بر سایرین و تصرف قسمت اعظمی از قلمرو اسکندر سلسله ی سلوکیان را بنیاد نهاد.(۱)

در دوران طولانی استیلای یونانیان بر ایران، تاریخ این کشور و به تبع آن تاریخ یهودیان ایران در هاله ای از ابهام فرورفته است. در این رهگذر جز سخنان جسته و گریخته، مرجع و ماخذ قابل ملاحظه ای از وضعیت یهودیان در ایران موجود نیست. ما نیز ناچاریم با توجه به وضع موجود و بضاعت اندک خود تا حد امکان گوشه ای از این دوران را برای خوانندگان روشن کنیم.

### هلنیست ها و حسیدیم

در دوره ی حکومت یونانیان تقسیمات کشوری دوران هخامنشی کم و بیش محفوظ ماند و یهودا نیز با نام یونانی آن (Ioudaia) به یکی از ایالات امپراتوری هلنی مبدل شد. (۲) پس از غلبه و تسلط یونانیان، آنها شروع به بسط و توسعه فرهنگ و تمدن یونان در بین ملل مغلوب نمودند.

در این زمان یهودیان در ایالت یهودا به دو گروه تقسیم شده بودند. گروهی که طرفدار فرهنگ یونان یا هلنیسم بوده و افراد این گروه را بیشتر طبقه مرفه تشکیل می دادند و گروهی که موسوم به حسیدیم بوده و با نفوذ فرهنگ یونانی سرستیز داشتند.(۳)

جدای از علم و دانش غنی یونانیان که برای ملل مغلوب هدیه ای ارزشمند به حساب می آمد، تهاجم فرهنگی غرب خطر بزرگی برای ملت یهود و سایر ملل بود.

گروهی از یهودیان به واسطه ی قوانین دینی، پیشینه ی فرهنگی و شریعت کاملی که داشتند، در برابر تهاجم فرهنگی یونانیان مقاومت نمودند و در مقابل نفوذ خیره کننده این فرهنگ سرسختی قابل ملاحظه ای از خود نشان دادند.(۴)

### فتح سلوکوس مبدا تاریخ جدید

شهرت دارد که اسکندر مقدونی می خواست مجسمه ی یکی از خدایان یونان را در بیت همیقداش نصب نماید. بزرگان یهود وی را متقاعد ساختند بجای این عمل نام اسکندر را در تاریخ خود جاویدان سازند و قرار شد ورود وی به اورشلیم مبدا تاریخ یهودیان قرار گیرد. به رغم درگذشت نابهنگام اسکندر، بزرگان یهود به قول خود وفا کردند و بیست و

دو سال بعد از آن با تسلط کامل سلوکوس بر متصرفات آسیای اسکندر، سال ۳۱۱ قبل از میلاد، مبدا تاریخ قرار گرفت و در تقویم عبری به تاریخ شَطَارُوت موسوم شد. (۵) به زودی سال شَطَارُوت بین یهودیان ایران نیز رواج یافت و در نکاحنامه های مذهبی و یا سنگهای قبور به کار برده می شد. گورستان گیلعاد دماوند که آنرا امروز گیلیارد می خوانند، تا نیمه ی قرن بیستم شاهد ذکر سال شَطَارُوت بر سنگ گورها بود (۶) (نگاه کنید به قسمت اول این مقاله در مجله ی بینا فروردین ۱۳۷۸).

بنا به نوشته ی گرتز، سلوکوس شهری به نام انطاکیه Antioch در شمال سوریه بنا کرد و آن را پایتخت خود قرار داد، آنگاه برای گسترش و رونق آن گروهی از یهودیان ایران و بابل را که در رونق دادن به امور بازرگانی صاحب تجربه بودند در سال ۳۰۰ قبل از میلاد روانه ی این شهر نمود. (۷)

### قیام مکابیها

قیام یهودیان "یهودا" در مقابل سلوکیان هفتاد و پنج سال پس از قیام پارتیان ایران انجام گرفت ولی هر دو قیام در روبرویی با دشواری و نیک انجامی همانند بودند و هر دو قیام در مقابل فرهنگ تحمیلی بیگانگان و برای بازیافتن فرهنگ و شریعت و حفظ هویت قومی انجام گرفتند. جرقه ی اولیه ی این قیام زمانی زده شده که آنتیوخوس چهارم در راه بازگشت از مصر و حرکت به سمت سوریه ی فعلی، معبد مقدس را غارت نمود و یهودیان را از اجرای فرامین تورات بازداشت و جزای اجرای احکام تورات را مرگ اعلام کرد. این پادشاه همچنین معبد مقدس را با خود و گوشت خوک ملوث ساخت و مجسمه ی ژوپیترا را در این مکان مقدس نصب کرد.

"متتیا بن یوحنا" از خاندان حشمونائیم با پنج پسرش در دهکده ای در شمال اورشلیم زندگی می کرد. هنگامی که یونانیان وارد دهکده شدند تا با تهدید و فشار، آنان را به بت پرستی وادار کنند، یکی از ساکنان دهکده جلو آمد تا به افتخار ژوپیترا قربانی کند، متتیا مرد سست ایمان را از پای درآورد و پسران کاهن که اسلحه در دست داشتند آپلس (Apelles) سردار یونانی و همراهان وی را به هلاکت رساندند. مردم به این گروه پیوستند و آتش انقلاب مکابیان دامن زده شد. پس از یک سال جنگ و گریز در سال ۱۶۶ قبل از میلاد ارتش چهل هزار نفری "لیزیاس" از سپاه شش هزار نفری مکابیان شکست خورد. یک سال پس از آن یونان قدرتمند در برابر یهودا مکابی و قوایش سرتسلیم فرود آورد. (۸)

پی نوشت

(۱) حسن نراقی، چکیده ی تاریخ ایران، ۱۳۷۸

(۲) عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی، و پارسی، ج اول، ۱۳۷۷

(۳) ابابان، قوم من تاریخ بنی اسرائیل، ترجمه نعمت ا.له شکیب

(۴) همان منبع

(۵) ناتان بن داوید، تاریخ یهودیان ایران از ۲۵ قرن پیش تا امروز

(۶) دکتر حبیب لوی، تاریخ جامع یهودیان ایران، ۱۳۷۶، باز نوشته ی دکتر هوشنگ ابرامی

(۷) همان منبع

(۸) همان منبع با تلخیص و اندکی دخل و تصرف

### اشکانیان

#### ظهور اشکانیان (پارتیان)

بعد از ازمیان رفتن اقتدار امپراتوری مقدونیه و همزمان با حکومت سلوکیان بر بازمانده فتوحات اسکندر، در قسمت

هایی از مازندران امروزی و شمال خراسان و خوارزم مردمی حکومت می کردند که به پارتیان شهرت داشتند . اینان در سال ۲۵۰ قبل از میلاد قیامی را بر علیه سلوکیان ترتیب دادند که مقدمه ای برای تشکیل سلسله "پارتیان" یا "اشکانیان" شد و در حدود سال های ۲۲۰ قبل از میلاد بعد از فتوحاتی در منطقه ، سرزمین ایران را زیر نفوذ خود درآوردند و "اشک اول" سلسله "اشکانیان" را در بخش وسیعی از منطقه بنا نهاد.

بعد از "اشک اول" "فرهاد اول" و سپس برادر وی مهرداد اول در سال ۱۷۰ قبل از میلاد به سلطنت رسید و در دوره او تسلط اشکانیان بر قسمت های عمده سرزمین ایران (پارس) و "بابل" (بین النهرین) و سرزمین ماد ها قطعی شد و بالاخره در زمان فرهاد دوم - پادشاه اشکانی - (۱۲۰ قبل از میلاد) طومار زندگی آخرین پادشاه سلوکی و در نتیجه سلسله سلوکیان در هم پیچیده شد و دوران شکوفایی سلسله اشکانیان آغاز گردید.

### **یهودیان در قلمرو اشکانیان**

اشکانیان بدون تردید در خاستگاه خود "هیرکانیا" (گرگان امروز) و اطراف آن با یهودیان آشنا شدند . در مجموع منابع یهودی از رابطه یهودیان با حکام این دوره به نیکی یاد می کنند . شاید وجود دشمنان مشترک برای ایرانیان و یهودیان موجب همبستگی بیش از پیش میان آنان گردیده باشد.

بدنبال نفوذ یونانیان در منطقه، مقاومت اقوام گوناگون علیه آنان آغاز شد که از میان آنها می توان به شورش مسلحانه یهودیان در سال ۱۶۶ قبل از میلاد توسط خانواده حشمونائیم علیه سلوکی ها اشاره کرد. در این نبرد یهودیان موفق شدند اورشلیم را تصرف کرده و معبد مقدس را دوباره افتتاح و سنت های اعتقادی و مذهبی خود را در "بیت همیقداش" اجرا نمایند.

جنگ های یهودیان علیه یونانیان عامل یاری دهنده مهمی در درگیری های اشکانیان ب این دشمن مشترک به شمار می رفت. در قرن اول قبل از میلاد با کمک نظامی اشکانیان یهودیان بار دیگر زندگی مذهبی خود را در منطقه آغاز کردند.

### **خرابی معبد دوم**

در سال ۶۹ بعد از میلاد "وسپاسین" امپراتور قدرتمند روم شد و پسرش تیتوس ر برای جنگ با یهودیها به اورشلیم فرستاد و طولی نکشید که تمام منطقه یهودیه بدست قوای روم مسخر گردید و محاصره شهر اورشلیم آغاز شد . تسخیر اورشلیم برای رومیان از جمیع جهات از اهمیت بسیاری برخوردار بود و یهودیان نیز بقای خود را در دفاع از این شهر می دانستند و برای این کار تمام امکانات خود را به کار گرفتند . سه نفر از فرماندهان لایق آن زمان متفق برای دفاع از شهر اورشلیم از طرف یهودیان انتخاب شده بودند که عبارت بودند از : یوحانان، شمیمعون بن گئورا و العازار بن شمعون . "یوسفوس" مورخ یهودی نبرد میان لشکریان روم و یهودیان ر این گونه شرح میدهد:

"شهر به وسیله حصارهای تو در تو حفاظت می شد، در داخل حصارها مدافعین از قحطی و گرسنگی در سختی بودند . نیروی مقاومت مردم هر روز کمتر می شد و دیوار اولی در ماه مه سال ۷۰ میلادی سقوط کرد . مدافعین سه ماه دیگر تا ماه عبری "آو" به دفاع ادامه دادند و بالاخره جنگ تا داخل معبد بیت المقدس ادامه یافت و در نهایت صحن معبد مقدس به آتش کشیده شد و این روز "نهم آو" بود. معبد مقدس اول نیز در این روز به آتش کشیده و ویران گشته بود و اکنون معبد دوم هم در چنین روزی ویران می گردید ت این تاریخ به روز عزاداری یهودیان تبدیل گردد."

یوحانان و شمیمعون هر دو از معرکه جان سالم بدر بردند و خود را تا حوالی قصر هیروودیس رساندند و در آنجا مدت پنج ماه مقاومت کردند تا اینکه آخرین پناهگاه نیز تسخیر شد و فرماندهان یهودی کشته شدند و جنگ خاتمه یافت. العازار بن شمعون به قلعه "مصادا" (Massada) آخرین سنگر و پناهگاه یهودیان در ارتفاعات مشرف به بحرالمدیت

گریخت. این مکان کوهستانی که روی سنگهای سخت گرانیت قرار دارد، شاهد حماسه مقاومت گروههای یهودی در برابر ارتش مقتدر روم گردید که یکی از سخت ترین نبردهای ارتش روم در تاریخ اعلام شده است.

در این نبرد پیش از یکهزار رزمنده یهودی برای نزدیک به دو سال (۷۲ و ۷۳ میلادی) در مقابل ارتش پانزده هزار نفری روم مقاومت نمودند. سرانجام ارتش روم موفق گردید با ساختن یک راه دسترسی (Ramp) به قلعه "مصادا" تا ارتفاع ۴۳۰ متری، این دژ را تسخیر نماید. قبل از اینکه مدافعین یهودی به دست رومیها اسیر گردند، یکدیگر را کشتند. به مناسبت پیروزی های روم، تیتوس طاق نصرت باشکوهی در روم برای خود بنا کرد و روی آن پیروزی رومیان و به یغما بردن منورا (شمعدان هفت شاخه معبد مقدس) را حجاری نمود.

همچنین رومیان به مناسبت پیروزی "تیتوس" سکه ای ضرب کردند و کلمه "Capta Judea" (یهودیه تسخیر شد) را روی آن نقش نمودند.

پس از پیروزی های ارتش روم، دوران تسلط یهودیان در منطقه "یهودا" به پایان رسید. و با ویران شدن "بیت المقدس" یهودیان باقیمانده در سراسر جهان پراکنده شدند و با توجه به مناسبات نیکویی که در یک دوره طولانی بین احکام ایرانی و یهودیان برقرار بود، تعداد زیادی از یهودیان خاک ایران را برای زندگی انتخاب نمودند.

### **سرانجام اشکانیان:**

در حدود سال ۲۲۰ میلادی "اردشیر" که در آن هنگام پادشاه دست نشانده پارس بود، با سه جنگ پی در پی " اردوان" را در حوالی اهواز فعلی شکست داد و او را به قتل رساند و با براندازی سلسله اشکانیان، سلسله جدیدی را به نام "ساسانیان" بنیان نهاد.

دوستی و همبستگی یهودیان با ملت ایران خصوصاً در زمان سلسله اشکانیان تا حدی بود که یهودیان ایران انقراض سلسله اشکانی را مصیبت بزرگ اعلام نموده و بر آن گریستند.